

فراز یازدهم :

شب پارسایان

"أَمَّا اللَّيْلَ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ ، تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيلًا. يُحَرِّثُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَثِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ . فَإِذَا مَرَّوْا بِآيَةٍ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَعُوا إِلَيْهَا طَمَعًا ، وَ تَطَلَّعَتْ نَفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقًا ، وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نُصِبَ أَعْيُنِهِمْ. وَ إِذَا مَرَّوْا بِآيَةٍ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْغَوْا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ ، وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أَصُولِ آذَانِهِمْ ، فَهُمْ حَانُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ ، مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفِهِمْ وَ رُكْبِهِمْ وَ أَطْرَافِ أَقْدَامِهِمْ ، يَطْلُبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فُكَاكِ رِقَابِهِمْ".

ترجمه : پارسایان در شب به پا خواسته (برای عبادت) در حال تلاوت بخشهایی از قرآن هستند. با قرآن ، جان خود را محزون می سازند و دواء درد خود را از آن می جویند.

هر گاه به آیه ای که در بر گیرنده تشویق است برسند ، به امید رحمت به آن روی آورند ، و با شوق به آن خیره شوند ، و گمان می برند که در برابر دیدگانشان قرار دارد.

و هرگاه به آیه ای شامل بیم و ترهیب می رسند ، گوش دل به آن می سپارند ، و گمان می برند که صدای شعله های جهنم در گوش آنان طنین انداز است ، پس (به حالت رکوع) خم می شوند ، و پیشانی و دست ها و زانو ها و پاهای خود را (به حالت سجود) بر زمین می نهند ، و از خداوند ، آزادی خویش را (از آتش دوزخ) می طلبند.

شرح :

این عبارات ، به راز و نیاز و مناجات شبانه پرهیزکاران اشاره دارد ؛ همچنین ، شیوه تأمل و تدبر آنان را در هنگام قرائت قرآن مجید بیان می کند.

برای توضیح حالات اولیاء الهی به هنگام تلاوت قرآن ، درجات قرائت این کتاب مقدس را به طور فشرده از نظر شما می گذرانیم :

1- برخی از مردم که اکثریت تلاوت کنندگان را تشکیل می دهند ، قرآن را به صورت سطحی می خوانند ، بدون اینکه در آیات آن تأمل نمایند.

طبیعی است که این گروه ، بهره چندانی از این کتاب مقدس نمی برند و از معارف عالیّه نهفته در آن محروم می مانند.

مکن در جسم و جان منزل که این دونست و آن والا
قدم زین هر دو بیرون نه ، نه آنجا باش و نه اینجا

گواه رهرو آن باشد که سردش بینی از دوزخ
نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا

سخن کز روی دین گویی چه عبرانی چه سریانی
مکان کز بهر حق جویی چه جابلقا چه جابلسا

شهادت گفتن آن باشد که از اول در آشامی
همه دریای هستی را بدان حرف نهنگ آسا

عروس حضرت قرآن نقاب آنکه بر اندازد
که دارالملک ایمان را مجرد بیند از غوغا

عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز حرفی
که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا

2- گروه دوم ، خردمندانی هستند که علاوه بر تلاوت آیات قرآن ، در صدق فهم عمق معانی آن بر می آیند و با غوص در ژرفای این اقیانوس بی کران ، به صید صدف های پر از مروارید آن می پردازند. اما استفاده این گروه ، تنها بهره برداری علمی از کتاب وحی است.

3- دسته سوم ، متقین هستند که علاوه بر تدبّر در آیات قرآن ، گوش دل آنان نیز ، پیام های عینی آن را می شنود. جان آنان با تلاوت آیات رحمت ، شادمان و امیدوار می گردد. گویا مشمول آن نعمت های بزرگ الهی هستند. دل آنان با شنیدن آیات عذاب می لرزد. گویا محکوم به تحمل آن عقاب سهمگین می باشند.

امام علی (ع) در عبارت فوق ، به این ویژگی پارسایان ، در امر تلاوت قرآن اشاره می فرماید.

4- گروه چهارم ، موقنین (یعنی اهل یقین) هستند که حقائق نهفته در قرآن را آشکارا مشاهده می کنند. آنان به هنگام تلاوت قرآن مجید ، وقتی به آیات رحمت می رسند ، بهشت و بهشتیان را با چشم دل می بینند و هنگامی که به آیات عذاب می رسند ، دوزخیان را مشاهده می نمایند و فریاد آنان را با گوش جان می شنوند.

چشم دل باز کن که جان بینی
آنچه نادیدنی است آن بینی

گر به اقلیم عشق روی آری
همه آفاق گلستان بینی

آنچه بینی دلت همان خواهد
وانچه خواهد دلت همان بینی

بی‌سر و پا گدای آن جا را
سر به ملک جهان گران بینی

هم در آن پا برهنه قومی را
پای بر فرق فرقدان بینی

هم در آن سر برهنه جمعی را
بر سر از عرش سایبان بینی

دل هر ذره را که بشکافی
آفتابیش در میان بینی

جان گدازی اگر به آتش عشق
عشق را کیمیای جان بینی

از مضیق جهات در گذری
وسعت ملک لامکان بینی

آنچه نشنیده گوش آن شنوی
وانچه نادیده چشم آن بینی

فراز دوازدهم :

روز پارسایان

"أَمَّا النَّهَارَ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءَ ، أَبْرَارَ أَتْقِيَاءَ . قَدْ بَرَّاهُمْ الْخَوْفُ بَرِيَّ الْقِدَاحِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرْضَى ، وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ ؛ وَ يَقُولُ : لَقَدْ خَوَّلَطُوا ، وَ لَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ . لَا يَرْضَوْنَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ ، وَ لَا يَسْتَكْثِرُونَ الْكَثِيرَ . فَهُمْ لِأَنْفُسِهِمْ مُتَّهَمُونَ ، وَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ مُشْفِقُونَ . إِذَا زُكِّيَ أَحَدٌ مِنْهُمْ خَافَ مِمَّا يُقَالُ لَهُ ، فَيَقُولُ : أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي ، وَ رَبِّي أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي ، اللَّهُمَّ لَا تَوَاخِذْنِي بِمَا يَقُولُونَ ، وَ اجْعَلْنِي أَفْضَلَ مِمَّا يَظُنُّونَ ، وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَعْلَمُونَ".

ترجمه : پارسایان در روز ، بُردبار و دانشمدار ، نیکو کار و پروا پیشه هستند. بیم و خوف ، آنان را چون تیر تراشیده لاغر ساخته است. اگر کسی به آنان نگاه کند گمان می برد که بیمارند ، در حالی که بیماری ندارند. چه بسا کسی بگوید آنها دچار اختلال شده اند ، در حالی که امری عظیم با آنان در آمیخته است. از اعمال اندک خود ناخوشنودند ، و کارهای زیاد خود را بزرگ نمی شمارند. همواره خود را متهم می کنند و از رفتارهای خویش بیمناکند.

هرگاه یکی از آنان مورد ستایش قرار گیرد ، از آنچه در باره او گفته شده می هراسد و می گوید : من به نفس خودم بیش از دیگران آگاهم ، و خداوند از من به نفسم آگاه تر است. خدایا ! مرا به خاطر آنچه دیگران در حق من می گویند بازخواست مفرما ، و مرا بهتر از آنچه گمان می برند قرار بده ، و نسبت به آنچه در باره من نمی دانند ، مرا ببخش.

شرح :

امام علی (ع) در تبیین رفتار پرهیزکاران در طول روز ، به صفات زیبای اخلاقی دیگری به شرح ذیل اشاره می فرماید ، خوی هایی که هر انسان فرزانه ای در تعامل با دیگران ، به آنها نیازمند است :

الف - علم

صدر نشینی علم در این فراز از سخن امیر مؤمنان (ع) ، بیانگر ارزش بی بدیل دانش در تنظیم رفتار انسان با فرد و جامعه است. بسیاری از چالش های موجود در کانون های اجتماعی ، ناشی از عدم آگاهی و فقدان علم به احکام یا موضوعات است. هدایت بشر در گرو تابش خورشید علم و آگاهی قرار دارد. بدین جهت در حدیثی شریف چنین می خوانیم :

"العلم نور يعذفه الله في قلب من يريد أن يهديه".

یعنی : دانش ، نوری است که خداوند در دل کسی که بخواهد او را هدایت کند ، می تاباند.

قرآن مجید نیز ، دانش و حکمت را لازمه رفتار با مردم در زمینه دعوت آنان به سوی حق می داند و چنین می فرماید :

"ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظة الحسنة".

(سوره نحل، آیه 125).

یعنی : مردم را با حکمت و اندرز زیبا ، به راه پروردگارت فرا خوان.

ب - حلم

حلم و بردباری ، زینت علم و مکمل آن است. دانش به تنهایی و بدون مدد جستن از اخلاق زیبا ، نمی تواند آفریننده مدینه فاضله باشد. بدین سبب ، پیامبر گرامی اسلام در مناجات خود با خدای بزرگ می گوید :

"اللهم اغنني بالعلم و زیني بالحلم".

(مستدرک الوسائل، ج 11، صفحه 291).

یعنی : خدایا ، مرا با علم و دانش بی نیاز فرما و با حلم و بردباری آراسته کن.

ج - نیکی

احسان به دیگران ، یکی از شرایط حیاتی موفقیت انسان در عملکرد اجتماعی است. در حدیثی دیگر چنین می خوانیم :

"من کثر إحسانه أحبّه إخوانه"

یعنی : هرکه احسانش زیاد گردد ، بر محبت یارانش نسبت به او افزوده می شود.

د - پرهیز کاری

شاه بیت همه صفات زیبای انسانی و فضائل اخلاقی در بعد فردی و اجتماعی ، پاکدامنی و پروا پیشگی است. انسان با تقوا ، همواره مورد عنایت خداوند است و در فراز و نشیب زندگی ، یاری پروردگار را در کنار خود دارد. قرآن مجید در این زمینه چنین می فرماید :

"إنّ الله يدافع عن الذين آمنوا إنّ الله لا يحبّ كلّ خوان کفور"

(سوره حج ، آیه 38).

یعنی : خداوند ، از کسانی که ایمان آورده اند ، حمایت و پشتیبانی می کند. همانان خدا ، خیانت پیشه های نا سپاس را دوست ندارد.

هر آنکه جانب اهل خدا نگه دارد
خداش در همه حال از بلا نگه دارد

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد

گرت هواست که معشوق نگسلد پیمان
نگاه دار سر رشته تا نگه دارد

ه - متهم دانستن خود

یکی از زیبا ترین فضائل اخلاقی این است که به هنگام مواجهه با ناکامی ها ، همیشه دیگران را متهم نکنیم ، بلکه پیش از دیگران ، خود را مورد مؤاخذه قرار دهیم. حتی اگر دیگران از ما تمجید کنند ، نباید مغرور شویم و از نقاط ضعف خود غافل گردیم.

یکی از ضرب المثل های رایج در غرب ، این جمله است که :

"هنگامی که با انگشت سبّابه ات به دیگران اشاره می کنی و آنها را مقصر می دانی ، سه انگشت دیگرت به سوی خودت اشاره می کنند".

بدین جهت ، امام علی (ع) در توصیف پارسایان می فرماید :

" از اعمال اندک خود ناخوشنودید ، و کارهای زیاد خود را بزرگ نمی شمارند. همواره خود را متهم می کنند و از رفتارهای خویش بیمناکند".

فراز سیزدهم :

کمالات پارسایان

"فَمِنْ عِلْمِهِمْ أَنْكَ تَرَى لَهُ قُوَّةَ فِي دِينٍ ، وَ حَزْمًا فِي لَيْنٍ ، وَ إِيمَانًا فِي يَقِينٍ ، وَ حِرْصًا فِي عِلْمٍ ، وَ عِلْمًا فِي حِلْمٍ ، وَ قَصْدًا فِي غِنَى ، وَ خُشُوعًا فِي عِبَادَةٍ ، وَ تَجَمُّلاً فِي فَاقَةٍ ، وَ صَبْرًا فِي شِدَّةٍ ، وَ طَلْبًا فِي حِلَالٍ ، وَ نَشَاطًا فِي هُدًى ، وَ تَحَرُّجًا عَنِ طَمَعٍ ."

ترجمه : برخی از نشانه های پارسایان عبارتند از : نیرومندی در دین ، دور اندیشی در نرمخویی ، ایمان در یقین ، حرص در کسب دانش ، آگاهی در بردباری ، میانه روی در حال توانگری ، فروتنی در عبادت ، آراستگی در حال تنگدستی ، مقاومت در سختی ها ، جستجوی حلال ، نشاط در هدایت ، و پرهیز از طمع.

شرح :

امام علی (ع) در این عبارت ، به تکامل اولیاء الهی در دوازده ارزش الهی بدین شرح اشاره می فرماید:

1- قُوَّةَ فِي دِينٍ

پارسایان ، نه تنها انسان هایی متدین هستند ، بلکه در امر دین ، به نیرومندی و توانایی لازم دست یافته اند ، و التزام به شریعت و حرکت در مسیر اراده حق تعالی ، به صورت ملکه نفسانی در سرزمین جان آنان رسوخ یافته است.

2- حَزْمًا فِي لَيْنٍ

صفت "حزم" به معنای بررسی جوانب امر و دور اندیشی در کار است. صفت "لین" نیز به معنای نرمخویی و ملایمت است که لازمه آن ، مهر ورزی و تعامل مشفقانه با دیگران می باشد.

از عبارت فوق چنین استفاده می شود که نرمخویی و ملاحظت پارسایان، امری هدفمند و برنامه ریزی شده است ، و تنها به عنوان یک تاکتیک دیپلماتیک مانند رفتار ظاهری برخی سیاستمداران دو چهره نیست که در ملاقاتهای سیاسی دو جانبه به همدیگر لیخنند می زنند ، ولی در باطن ، به خون یکدیگر تشنه هستند ؛ بلکه شیوه ای راهبردی و محاسبه شده در همه زمینه ها می باشد.

در حدیثی شریف از پیامبر گرامی (ص) چنین آمده است :

"قال رسول الله (ص) : ألا اخبركم بمن يحرم عليه النار غدا ؟ قالوا : بلى يا رسول الله. قال : الهين الغريب ، اللين السهل".

"پیامبر (ص) به یاران خود فرمود : آیا به شما بگویم آتش جهنم در فردای قیامت بر چه کسی حرام است؟ . گفتند : بفرمایید یا رسول الله. فرمود : بر انسانی که بر دیگران سخت نگیرد و با مردم نزدیک باشد و نرمخو و اهل گذشت باشد".

3- إيماننا في يقين

این عبارت به تکامل پارسایان در بُعد آرامش دل ، و بلوغ باور های قلبی آنان نسبت به اوامر الهی و معارف شریعت اشاره دارد.

4- حرصا في علم

امام علی (ع) با بیان این صفت ، ویژگی مهمی از پرهیزکاران را توضیح می دهد. متأسفانه ، در زمان ما ، برای شناخت پارسایان ، تنها به بُعد زهد و دنیا گریزی اکتفاء می کنند ، و کمتر به ویژگی ارزشمند آموختن دانیش و حرص بر تحصیل علم ، برای شناخت پرهیزکاران حقیقی ، بذل توجه می شود.

آنچه باعث شد امیر مؤمنان (ع) بُعد دانش اندوزی و جدیت در آن را به عنوان یکی از معیارهای اساسی پرهیزکاران معرفی کند این است که زهد ظاهری افراد اگر بدون شناخت صحیح و آموزش دانش باشد ، تضمینی برای سعادت افراد مذکور به وجود نمی آورد. نمونه هایی از اینگونه زهد بی ریشه را در برخی از خوارج نهروان در زمان خلافت آن حضرت می توان یافت. خوارج نهروان ، خود را به عنوان حامیان قرآن و ملتزمان به شریعت قلمداد می کردند و علامت سجود بر پیشانی بسیاری از آنان نقش بسته بود ، ولی به خاطر عدم آگاهی و فقدان دانش لازم نسبت به حقیقت اسلام ، با جانشین پیامبر (ص) و امام عصر خود ، به جنگ برخاستند.

5- علما في حلم

امام باقر (ع) در زمینه ضرورت هماهنگی و تقارن علم و حلم ، چنین می فرماید :

"ما شيبَ شئ بشئ أحسنَ من حلم بعلم".

یعنی : هرگز دو چیز به زیبایی دانش و بردباری ، با هم ترکیب نشده اند.

6- قَصْدًا فِي غِنَى

این صفت به بُعد اقتصادی و اهمیت صرفه جویی و پرهیز از اسراف و تبذیر به هنگام فراوانی و وفور نعمت اشاره دارد. از آنجا که پارسایان از دام افراط و تفریط در قوه عامله نجات یافته اند و به مقام عدالت نائل شده اند ، طبعاً از زیاده روی و اسراف ، حتی در حالت غنا و بی نیازی و وفور ثروت ، خود داری می کنند.

7- خُشوعًا فِي عِبَادَةِ

جوهر عبادت ، احساس بردگی در پیشگاه خدا و ناچیز دیدن خود است. بنا بر این ، خشوع و فروتنی در عبادت ، باعث کمال و قوام بخشیدن به حقیقت پرستش خداوند می گردد.

8- تَجَمُّلاً فِي فَاقَةِ

یکی از ویژگیهای اولیاء الهی آن است که کرامت و احترام خود را در همه احوال ، حتی در زمان تهیدستی حفظ می کنند. هرگز فقر و نیاز ، آنان را به پذیرش عجز و حقارت وادار نمی کند ؛ بلکه آثار تنگدستی را به دیگران بروز نمی دهند و چنین وانمود می کنند که بی نیاز و توانگر هستند.

9- صَبْرًا فِي شِدَّةِ

صبر در اینجا به معنای مقاومت و استقامت در برابر طوفان مشکلات است. بنا بر این ، انسانهای پارسا ، علاوه بر مزین بودن به زینت علم و حلم و زهد و تواضع و دیگر صفات اخلاقی ، از نعمت شجاعت و دلاوری و استقامت در مقابل حوادث سهمگین روزگار ، برخوردار هستند.

10- طَلِبًا فِي حِلَالِ

این عبارت کوتاه ، به دو ویژگی ارزشمند اشاره دارد : نخست اینکه انسان پارسا ، در صدد تلاش و کوشش برای کسب روزی خود و افراد تحت سرپرستی خویش بر می آید و خود و خانواده خود را سربار جامعه نمی کند. دوم اینکه به منظور تحصیل هزینه زندگی ، به سراغ کسب و کار حلال می رود و از زر اندوزی با شیوه های غیر مشروع ، اجتناب می ورزد.

11- نَشَاطًا فِي هُدَى

انسان پرهیزکار ، هرگز به مرتبه ای از هدایت که بدان رسیده است ، اکتفاء نمی کند ، بلکه در جهت ارتقاء سطح تقرب به خدا و رسیدن به مقام بالاتر در هر دو بُعد علم و عمل ، پرتلاش و با نشاط است. بدین جهت ما در نماز ، ادامه پیروی از راه هدایت و ارتقاء درجه در امر ارشاد خود را از خداوند می طلبیم و می گوئیم :

"اهدنا الصراط المستقیم".

یعنی : خدایا ! ما را به راه راست هدایت فرما.

12- تَحَرَّجَا عَنْ طَمَعٍ

حرص و آز ، آفت روح انسان و تباه کننده زندگی شاد و سالم است. اجتناب از طمع و زیاده خواهی ، تنها در پرتو اتکال به خداوند که از صفات پارسایان است حاصل می گردد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) ، پیروان خود را از این رذیله اخلاقی برحذر میدارد و چنین می فرماید:

"عليك باليأس ممّافي أيدي الناس فإنّه الغنى الحاضر. و إياك والطمع فإنّه الفقر الحاضر".

یعنی : بر تو باد به اینکه از آنچه در دست دیگران است نومید باشی. زیرا این نا امیدی از دیگران ، بی نیازی حاضر است. و پرهیز از طمع ، زیرا طمع ورزیدن ، فقر حاضر است.

فراز چهاردهم :

بیم و امید پارسایان

"يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَ هُوَ عَلَى وَجَلٍ. يُمَسِّي وَ هَمَّهُ الشُّكْرُ ، وَ يُصْبِحُ وَ هَمَّهُ الذِّكْرُ ، يَبِيْتُ حَذْرًا وَ يُصْبِحُ فَرِحًا ؛ حَذْرًا لِمَا حَذَرَ مِنَ الْغَفْلَةِ ، وَ فَرِحًا بِمَا أَصَابَ مِنَ الْفَضْلِ وَ الرَّحْمَةِ. إِنْ اسْتَصَعَبَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فِيمَا تَكَرَّرَ لَمْ يُعْطِهَا سُؤْلِهَا فِيمَا تَحِبُّ. قَرَّةٌ عَيْنِهِ فِيمَا لَا يَزُولُ ، وَ زَهَادَةٌ فِيمَا لَا يَبْقَى ، يَمْزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ ، وَ الْقَوْلَ بِالْعَمَلِ "

ترجمه : انسان پارسا ، کارهای شایسته انجام می دهد و در عین حال ، ترسان است. روز را به شب می رساند در حال سپاسگزاری ، و شب را به روز می رساند با یاد خدا.

به هنگام شب ، بیمناک است و در بامداد ، خوشحال. بیمناک بخاطر هشدار از غفلت ، و شادمان بخاطر فضل و رحمتی که فرا رسیده است. اگر نفس او نسبت به آنچه نمی پسندد بر وی سخت گیرد ، از بر آوردن خواسته های مورد علاقه آن خود داری می کند.

نور چشم او در امری است که جاودانه است ، و پرهیز او از چیزی است که ناپایدار است. بردباری را با دانش ، و گفتار را با رفتار ، در می آمیزد.

شرح :

امام علی (ع) در این عبارت ، به دو حالت از مراحل تکامل نفس انسان پارسا ، اشاره می فرماید ؛ آن دو حالت : خوف و رجاء نامیده می شوند. علماء اخلاق و عرفان ، مراحل سیر انسان به سوی لقاء الله را در کتابهای عرفانی بر شمرده اند. مراحلی که مربوط به نفس حرکت است، عبارتند از : خلوت ، تفکر ، خوف ، رجاء ، صبر ، و شکر.

"خلوت" بدین معنا است که انسان در هر شبانه روز ، ساعتی را برای راز و نیاز با آفریدگار بزرگ جهان اختصاص دهد. بهترین ساعت برای این امر ، ساعت سحر است که چشمها به خواب رفته و آرامش روح بخشی بر همه جا حکم فرماست.

طبیعی است که وقتی انسان خود را در پیشگاه خدا بیابد و نعمت های بیکران او را از نظر بگذرانند ، از اندک بودن اعمال و عباداتش شرمنده می شود و خود را مدیون حق تعالی قلمداد می کند . بدین جهت امیر مؤمنان (ع) در باره روحیه انسان پرهیزکار می فرماید: "انسان پارسا، کارهای شایسته انجام می دهد و در عین حال ، ترسان است".

این حالت مناجات و راز و نیاز با خداوند ، درهای رحمت حق را بر روی انسان شب زنده دار می گشاید و بر ارتقاء مقام معنوی او می افزاید.

سحر چون خسرو خاور عَلم بر کوهساران زد
به دست مرحمت یارم در امید واران زد

کدام آهن دلش آموخت این آئین عیّاری
کز اول چون برون آمد ره شب زنده داران زد

"تفکر" به معنای اندیشیدن جهت محاسبه نفس است. این مرحله از کمال ، آنقدر ارزشمند است که پیشوایان معصوم ما ، یک ساعت اندیشه از این نوع را ، از هفتاد سال عبادت بهتر دانسته اند.

"خوف" به معنای برحذر بودن از عواقب گناهان و بیمناک بودن از عذاب الهی است که بر عملکرد ناروای انسان ، مترتب می گردد. خواجوی کرمانی در این زمینه می گوید :

تا درد نیابند ، دوا را نشناسند
تا رنج نبینند ، شفا را نشناسند

تا معتکفان حرم کعبه وحدت
خود را نشناسند ، خدا را نشناسند

آنان که ندارند نم چشم و غم دل
خاصیت این آب و هوا را نشناسند

"رجاء" به معنای امید واری به رحمت بی کران حق است که انسان را از سقوط در ورطه یأس ، نجات می دهد. خداوند بزرگ در قرآن مجید ، درهای امید را بر روی همه بندگان ، حتی گنهکاران می گشاید و چنین می فرماید :

"قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ" (سوره الزمر ، آیه 53).

بدین جهت ، امام علی (ع) در وصف انسان پرهیزکار می فرماید :

" به هنگام شب ، بیمناک است و در بامداد ، خوشحال. بیمناک بخاطر هشدار از غفلت ، و شادمان بخاطر فضل و رحمتی که فرا رسیده است."

"صبر" ، پنجمین مرتبه از مراحل نفس حرکت در سیر و سلوک است و **"شکر"** ، در مرتبه ششم قرار دارد.
